



یکشنبه 26 فروردین 1397 - 28 رجب 1439 - 15 آوریل 2018

رحلت عالم بزرگوار و فقیه مجاهد آیت الله "شیخ محمد تقی بافقی" (1325 ش)

رحلت عالم بزرگوار و فقیه مجاهد آیت الله "شیخ محمد تقی بافقی" (1325 ش)
آیت الله شیخ محمد تقی بافقی در حدود سال 1253 ش (1292 ق) در بافق یزد به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی در یزد، راهی نجف اشرف گردید و از محضر درس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و سید احمد کربلایی استفاده رلی وافر برد. آیت الله بافقی پس از اقامت 19 ساله در نجف، در قم اقامت گزید و به درس و بحث پرداخت. او از افرادی بود که در تهیه مقدمات انتقال آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه علمیه قم، تلاش بسیاری کرد و پس از تأسیس حوزه، معاونت آیت الله حائری را بر عهده گرفت. این فقیه مبارز در جهت جلوگیری از منکرات از هیچ مصیبتی نمی رلی وهراسید به طوری که بر اثر مخالفت علنی با جریان کشف حجاب و ورود خانواده بی رلی و شرم و بی رلی و حجاب پهلوی به حرم حضرت معصومه (س)، در دوم فروردین 1306، توسط شخص رضاخان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و سپس سال رلی وها در شهر ری در تبعید بود. آیت الله بافقی پس از شنیدن واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد توسط عمال پهلوی در تیرماه 1314، دچار سکنه قلبی شد و برخی از اعضای بدنش آسیب دید. وی پس از فرار و اخراج پهلوی اول به قم بازگشت و سرانجام در 26 فروردین سال 1325 ش برابر با 12 جمادی الاول 1365 ق در 72 سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

انتخابات دومین دوره مجلس شورا، پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، در روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۶۳ برگزار گردید و در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۶۳ اولین جلسه مجلس دوم برگزار گردید.
حرکت حضرت امام حسین (ع) و خاندان پیامبر از مدینه به مکه (60 ق)

پس از مرگ معاویه بن ابوسفیان اولین خلیفه و مؤسس سلسله رلی و ستم پیشه رلی و بنی رلی و امیه در 15 رجب سال 60 قمری، یزید بن معاویه به حکومت رسید و بلافاصله به والی مدینه نامه نوشت تا از امام حسین (ع) و چند نفر دیگر از بزرگان مدینه برای او بیعت بگیرد. ولی امام حسین (ع) از بیعت با یزید امتناع کرد و در جواب درخواست کنندگان گفت: فردی مثل من با مثل یزید فاسق فاجر بیعت نمی رلی و کند. ولی والی مدینه در این امر، اصرار و تأکید نمود. امام حسین (ع) به ناچار از مدینه به سوی مکه حرکت کرد تا این که با قیام خویش، حکومت فاسد یزید بن معاویه را رسوا سازد. نهایت این سفر، وقوع حادثه رلی و خونبار و جاودانه رلی و عاشورا در کربلا بود.
رحلت علامه رلی و بزرگ "سید محمدکاظم یزدی" عالم جلیل و استاد کم نظیر شیعه (1337 ق)

علامه سیدمحمد کاظم یزدی در سال 1248 ق در یزد به دنیا آمد و پس از فراگیری علوم مقدماتی، راهی نجف گردید. در نجف اشرف از محضر استادانی برجسته نظیر میرزای شیرازی و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء بهره برد و به اجتهاد دست یافت. آیت الله یزدی که بر مباحث فقهی تسلط کامل داشت، مسایل مشکل و پیچیده رلی و فقه را با بیانی روان و ساده و با استدلال قوی به طلاب عرضه می رلی و کرد. ایشان هم رلی و چنین در مدتی کوتاه، علوم ریاضی و نجوم را آموخت و در زمره رلی و استادان برجسته رلی و این دانش رلی وها درآمد. علامه یزدی پس از ارتحال میرزای بزرگ شیرازی و آخوند خراسانی، زعیم عالیقدر جهان تشیع گردید و در راه حفظ کیان اسلامی، به صحنه آمد. ایشان علاوه بر نشر احکام الهی و مبارزه برای عزت و آزادی مسلمانان، بناهای خیریه، مراکز عام المنفعه و نیز مساجد و مدارس را تأسیس کرد. از این عالم الهی، آثار فراوانی به جای مانده است که کتب حاشیه بر مکاسب، الصّحیفة الکاظمیة و... از آن جمله رلی واند. کتاب شهیر عروة الوثقی اثر این مرجع بزرگ دینی است که در آن، ابواب فقه را به روشی بدیع شرح داده است. در مکتب علامه یزدی فرزندان بی رلی و شماری پرورش یافتند که هر یک بعدها، استوانه رلی وهای علمی سرزمین اسلامی بودند و به عنوان مرجع دینی، پاسخگوی مسایل گوناگون مردمی شدند. از جمله رلی و این بزرگواران، حضرات آیات عظام: شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شهید سیدحسن مدرس، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد فیروزآبادی، سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی و ده رلی وها عالم فاضل، خوشه رلی وچین دروس معرفت این علامه رلی و بزرگ بوده رلی واند. علامه محمدکاظم یزدی سرانجام در 89 سالگی به لقای معبود شتافت و در حرم مطهر امام علی (ع) به خاک سپرده شد.

شهادت افسر مسلمان مصری "خالداسلامبولی" توسط رژیم مصر (1982م)

خالد شوقی اسلامبولی افسر مسلمان و مبارز مصری در سال 1958م به دنیا آمد. او در مدرسه فرانسوی نوتردام قاهره تحصیل کرد و سپس به ارتش پیوست و در 20 سالگی با درجه ستوانی در توپخانه ارتش مصر مشغول به کار گردید. وی ضمن این که از افسران لایق ارتش محسوب می رلی و شد، با جنبش اسلامی جهاد مصر، همکاری مخفیانه داشت. پس از امضای قرارداد ننگین کمپ دیوید که در آن انور سادات رئیس جمهور وقت مصر حکومت غاصب اسرائیل را به رسمیت شناخت، نقشه ترور این خائن به آرمان فلسطین، در ذهن خالد اسلامبولی ترسیم شد. این نقشه در ششم اکتبر

1981م عملی گردید و هنگامی که انور سادات در مراسم رژه نظامی ارتش مصر در سالگرد جنگ اکتبر 1973م شرکت کرده بود، خالد اسلامبولی در لحظه عبور زره‌پوش و خودروهایی نظامی از مقابل جایگاه، همراه با چند تن از نظامیان هم‌رزم خود به سوی سادات آتش گشود. خالد اسلامبولی و گروهی که برای قتل او هم قسم شده بودند. در این زمان در مقابل جایگاهی که سادات و رهبران سیاسی و نظامی مصر در آن نشسته بودند توقف کردند و با سرعت عملی که بیشتر به یک فیلم سینمایی شباهت داشت از خودروی نظامی خود بیرون پریده، با شلیک مسلسل و پرتاب نارنجک به طرف جایگاه سادات پیش رفتند. در این حادثه، هفت تن از مقامات مصری به هلاکت رسیدند. که در جایگاه بودند و سادات نیز ساعاتی بعد در بیمارستانی در قاهره به کام مرگ فرو رفت. پس از این عملیات شجاعانه، خالد اسلامبولی که رهبری آن را بر عهده داشت دستگیر و پس از یک محاکمه طولانی، در 15 آوریل 1982م در 34 سالگی تیرباران شد. وی در جریان محاکمه خود فریاد می‌زد: مردم! من فرعون مصر را کشتم.